

مروری بر فیلمسازی رسول صدرعاملی که با «زیبا صدایم کن» در جشنواره فجر ۴۳ حضور دارد

## ژورنالیست سینماگر

رسول صدرعاملی، کارگردان، تهیه‌کننده، فیلمنامه‌نویس و روزنامه‌نگار، زاده خطه اصفهان است. پدرش روحانی و از خاندان صدرعاملی بود. او فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی خود را به عنوان خبرنگار از هفده سالگی آغاز کرد. صدرعاملی در زمان تحصیل در مونت پلپه فرانسه به اصلی‌ترین گزارشگر بین‌المللی اخبار مرتبط با اقامت امام خمینی (ره) در نوفل‌لوشاتو تبدیل شد و در پرواز انقلاب، تنها گزارش مستند تصویری و تنها مصاحبه با امام راحل را ثبت نمود. او تا سال پنجاه و نه در قالب گزارشگر، قصه‌نویس، دبیر سرویس حوادث و دبیر سرویس پارلمانی با روزنامه اطلاعات همکاری داشت و در زمان جنگ تحمیلی با یاری علی مزینانی چند فیلم مستند ساخت. وی تعدادی فیلم مستند و تجربی هم در کارنامه خود دارد. فعالیت حرفه‌ای او در سینما با تهیه‌کنندگی فیلم خونبارش در سال پنجاه‌ونه شروع شد. این فیلم که براساس یک رویداد واقعی انقلابی ساخته شده بود، در ساختار هنری و تصویری ترکیبی از آثار مستند و ژورنالیستی و سینمایی بود که گرچه از نظر سینمایی و هنری در ردیف فیلمهای درجه یک و مهم نبود، اما به لحاظ محتوا و شرایط پرورش آن زمان، مورد توجه واقع شد. تولید این فیلم، سبب ورود صدرعاملی به جبهه کارگردانهای سینما شد و او دو سال بعد، فیلم اجتماعی، دفاع مقدسی و خانوادگی رهایی را کارگردانی کرد. پیوند مسائل خانوادگی، اجتماعی و دفاع مقدسی، برگ برنده این فیلم و تشویق صدرعاملی به ادامه کارگردانی در سینما شد. فیلم رهایی از منظر سینمایی و هنری یک کار معمولی و تجربی برای او در سینما بود.

گرایش فکری و سلیقه‌ای این سینماگر به مسائل خانوادگی و عاشقانه و سینما و فیلم‌های درام و ملودرام و توجه به زنان، انگیزه ساختن فیلم جنجالی «گل‌های داوودی» در سینما توسط او شد. فیلمی که به لحاظ مضمون، محتوا و داستان و پرداخت با فیلم‌های رایج آن سال‌ها و البته‌های اجتماعی و سلطه سلیقه حاکم در سینمای دولتی، متفاوت بود و موجب واکنش‌های تند فعالیت‌ها، حساسیت‌ها و موضع گیری‌های هنرمندان حوزه هنری شد. «گل‌های داوودی» به رغم مخالفت‌ها و حاشیه‌هایش، به دیگر سینماگران آموخت که فیلم‌های این گونه هم می‌تواند در سینما تولید شود و مخاطب را جذب کند. هر چند این وقایع روند فیلمسازی صدرعاملی را متاثر و کند کرد، لیکن او را مشهور ساخت. مطرح شدن صدرعاملی بعد از این فیلم پر سر و صدایش، او را به کار تولید و کارگردانی در سینما علاقه‌مندتر کرد. او از آن پس تاکنون در جایگاه کارگردان، چهارده فیلم کارگردانی کرده است و جدیدترین فیلمش به نام «زیبا صدایم کن» در فیلم فجر امسال حضور دارد. در کار فیلمسازی رسول صدرعاملی بعد از فیلم «سمفونی تهران»

در سال هفتاد و سه تا سال هفتاد و هفت، فاصله افتاد و فیلم‌هایی که قبل از آن ساخته بود از جمله فیلم متفاوت و دراماتیک «پاییزان» که او را در کارگردانی کمی رو به جلو نشان می‌داد و اندکی در فیلمسازی پخته‌تر شده بود و اثری بود که توانست نظرها را به آن معطوف کند، به دلیل رواج نسبی تولید این نوع فیلم‌ها، دیگر چندان در محتوا نوآور نبودند و خود صدرعاملی را هم زیاد راضی نمی‌کردند. از همین رو، او در نگاه اجتماعی خود تغییری به وجود آورد و به جای نگره کلی و توجه صرف به مسائل خانوادگی و اجتماعی، با محور قرار دادن و تمرکز روی اوضاع اجتماعی بویژه نسل‌های جوان و نوجوان، در فیلمسازی خود و سینمای کشور، تحول آفرید و نگاه و نظرهای اهالی سینما و رسانه‌ها و منتقدان و سینمادوستان را به سوی خود و فیلم‌های جدیدش جلب کرد.

نگرش احساسی و انسانی متبلور در آثار بعدی او که به طور مشخص با فیلم‌های متفاوت «من ترانه پانزده سال دارم» و «دختری

با کفش‌های کتانی» و همچنین «دیشب باباتو دیدم آیدا» رقم خورد، درهای موفقیت و شهرت بیشتر و کسب موقعیت برتر در سینمای ایران را برای او به ارمغان آورد و شرکت این سه فیلم که از نظر مضمون و محتوا و پرداخت در یک مسیر تولید شده و با استقبال جوانان روبرو شدند در جشنواره‌های داخلی و خارجی جوایز بسیار و افتخارهایی را نصیب صدرعاملی کرد. توفیق‌های سینمایی، اجتماعی و جهانی آثار این هنرمند در مقام تهیه‌کننده و کارگردان محدود به فیلم‌های یاد شده نیست و فیلم‌های «شب»، «هرشب تنهایی»، «سال دوم دانشکده من» و «شنای پروانه» چه در مقام کارگردان و چه در مقام تهیه‌کننده را هم در بر گرفت و جوایزی هم به آنها اهدا شد. با آنکه فیلم‌های پس از «دیشب باباتو دیدم آیدا»، ساخته‌هایی حرفه‌ای بودند، ولی چنگی به دل نزدند. فیلم‌های خوب او به عنوان کارگردان؛ فیلم‌هایی چون «پاییزان»، «من ترانه پانزده سال دارم»، «دختری با کفش‌های کتانی»، «دیشب باباتو دیدم آیدا» و فیلم‌های متوسط؛ «رهایی»، «گل‌های داوودی»، «هرشب تنهایی»، «شب»، «زندگی با چشم‌های بسته»، «در انتظار معجزه» و «سال دوم دانشکده من» هستند.

صدرعاملی نویسنده فیلمنامه هفت فیلم از ساخته‌های خود و فیلم «می‌خواهم زنده بمانم» بوده و در مقام تهیه‌کننده سیزده فیلم تهیه کرده است. از میان این تعداد فیلم‌هایی که تهیه کرده، فیلم «شنای پروانه»، اثری قابل تامل بود و فیلم‌های «جنگل پر تقال»، «شبیخون»، «برگ برنده»، «عروسک فرنگی»، «در کمال خونسردی» و «روزهای خوب زندگی»، چندان جلوه نکردند. مسیر فیلمسازی و تهیه‌کنندگی صدرعاملی، با فراز و فرود همراه بوده و او از زمان کارگردانی فیلم‌های سه‌گانه جوان پسندانه‌اش، تا امروز فیلم متفاوت و تازه‌ای از نظر مضمون و ساختار هنری نساخته است و باید منتظر ماند و دید که «زیبا...» او این بار در سینما چگونه صدایش خواهد کرد. رسول صدرعاملی از سینماگران و تهیه‌کنندگان و کارگردان‌های مطرح سینما است.

صدرعاملی بانی نخستین دفتر تولید و توزیع فیلم با نام میلاد فیلم در سال‌های بعد از انقلاب در سینما بوده و در سال هشتاد و چهار با شراکت چند سینماگر، موسسه بین‌المللی فیلمیران را تاسیس کرده است. در سال‌های اخیر هفتاد درصد تولیدات سینمای ایران توسط این موسسه پخش شده است. رسول صدرعاملی با تجربه‌گرایی در سال‌های نخست، فیلمسازی در سینما را آغاز کرد و در ادامه و چند سال بعد در سینما رو به صعود گذاشت، اما در چند سال گذشته در جاذبه و در فیلمسازی، حرکتی مهم و رو به جلو نداشته است. آیا فیلم تازه او «زیبا صدایم کن»، که امروز در سانس چهارم سینمای رسانه‌ها اکران می‌شود خواهد توانست این سینماگر ژورنالیست که همچنان مولفه‌ها و ویژگی‌های نگاه رسانه‌ای و ژورنالیستی در آثارش نمود دارد را باز هم در کنار کارگردان‌های نامدار سینمای ایران جای دهد یا...؟! نمایش فیلم اخیرش، این نکته را نشان خواهد داد.



# همراه هنر ایران زمین

اطلاعات فیلم‌ها و مسابقه #۱۴۰۳\*



هوادک  
MCI

